

درباره انیمیشن «شکرستان»

تحرك در فرهنگ بصری

«بچه‌ها از پای تلویزیون تكون نخورید، الان برنامه من شروع میشه. اسم برنامه من هست نقاشی‌های مداد آبی.» این جمله نوستالژیک و به‌یادماندنی که بحق باید آن را یکی از خاطره‌انگیزترین جملات تاریخ انیمیشن ایران دانست، ما را به دورانی می‌برد که از آن «سندباد»، «خانواده دکتر ارنست»، «سفرهای گالیور» و… را هم به یاد داریم. پس به خوبی پیداست که در مقام قیاس، انیمیشن‌های ایرانی هواخواه چندانی نداشته باشند زیرا آن زمان که «نقاشی‌های مداد آبی» به بچه‌ها دست‌ور می‌داد، از «پای تلویزیون تكون نخورند»، ما چندی قبل یا بعد از آن، کاملاً به میل خود و با اشتیاق فراوان پای تماشای انیمیشن‌هایی می‌نشستیم که ایرانی نبودند! تلویزیون ما در همان دوران نقاشی‌هایی را به همراه نوار صدای قصه پخش می‌کرد؛ تصاویری ثابت که روی آن داستان تعریف می کردند. کار دیگر همان دوران، مردی بود که پشت بوم نقاشی نشسته بود و تابلو می‌کشید و هماهنگ با او هم داستانی روایت می‌شد. با پیشرفت داستان تابلو فته‌رفته شکل می‌گرفت و وقتی داستان به پایان خود می‌رسید، تابلوی مرد نقاش هم تمام شده بود. پس با این اوصاف، بدیهی است که مخاطب کودک آن دوران باید «نقاشی‌های مداد آبی» را شاهکاری بی‌بدیل بداند، چون دست‌کم کاراکتری داشت که حرکت می‌کرد و مردی که دست‌ور می‌داد و فضایی که کمی تا قسمتی ادای انیمیشن را درمی‌آورد. امروزه اگر کسی منکر کمبود امکانات آن دوران باشد قطعاً منصفانه قضاوت نکرده زیرا بخواهیم یا نخواهیم، دوست داشته باشیم یا دوست نداشته باشیم، همین آثار بودند که «تاریخ انیمیشن ایرانی» را ساختند، زیرا اگر این آثار ساخته نمی‌شد هنوز هم باید نتون‌های متحرک دهه‌های ۳۰ و ۴۰ لاله‌زار را مبداء انیمیشن ایرانی می‌دانستیم! اما زبان پخش آن برنامه‌ها از تلویزیون، جدا از مزیت تاریخی‌شان، وا داشتن مخاطب به قیاس بود. آن آثار چونان نماینده‌های مشهور انیمیشن ایرانی برای سالیان دور و درازی در ذهن مخاطب ثبت شدند. از این رو تغییر ذهنیت مخاطب ایرانی درباره تولیدات ایرانی روز به روز دشوارتر شد، طوری که حتی امروزه برخی مدیران تلویزیون هم به تولیدات خود باور ندارند و مثلاً ساعت پخش را طوری تنظیم می‌کنند که مبادا کسی ببیند! این نوع تصمیم‌گیری‌ها که احتمالاً در منطق مدیریت فرهنگی ما «چرا ندارد»، برآمده از همین ذهنیت تاریخی‌مان نسبت به انیمیشن‌های وطنی است. اکنون این قیاس‌ها در انیمیشن، بیش از هر رشته هنری دیگری است و قاعدتاً کار تولیدکنندگان را هم دشوار و دشوارتر می‌کند. به همین دلیل زمان زیادی لازم است تا اعتماد مخاطب به تولیدات جلب شود. حال با توجه به همه پیشرفت‌های انیمیشن در سال‌های اخیر باز باید گفت حال و روز انیمیشن کمی ناخوش است. انیمیشن‌های ایرانی به دلیل فاصله بسیاری که با همتای اروپایی و آمریکایی خود دارند، همواره در معرض خطر هستند که در فضایی بسته تولید شوند و به نمایش درآیند. مشغرتی انیمیشن‌ها مانند مشتری تئاتر، همان دانشجوی انیمیشن و تولیدکننده و مدیران آن و در کل متخصصان و اهل آن حرفه شود و قشر دیگری که هنرمندان در کل به آنها «مردم» می‌گویند، پای به این حلقه بسته نگذارند.

اما بی‌شک می‌توان گفت در سال‌های اخیر آثاری ساخته شدند که می‌توان آنها را عمل موثری در تغییر ذهنیت مخاطب ایرانی دانست، مجموعه «شکرستان» یکی از آنهاست. این مجموعه وپترین خوبی برای خود ساخته: مرتضی احمدی مانند تیتراژ به‌یادماندنی «حسن کچل» علی حاتمی در آن می‌خواند و روایت می‌کند؛ آهنگساز کار «جلال ذوالفقون» است و گوش که تیز کنبد صدای مشهور علیرضا جavidنیا و دیگران را هم می‌شنوید. اما این انتخاب‌ها و سام این چهره‌ها که برای انتخاب تیتر خبر این پروژه در خبرگزاری‌ها و مطبوعات بسیار کاربردی و موثر هستند، به کار خوب بودن «شکرستان» نخواهد آمد. آنچه شکرستان را متمایز و قابل بحث می‌کند، طراحی کاراکترها و فضای کلی آن است. حالا اگر برای حرکت و موسیقی چه و چه هزار جایزه هم بگیرد، تأثیری در ماندگاری آن نخواهد داشت، زیرا آنچه از یک انیمیشن به یادها می‌ماند، نه نام این چهره‌ها و این اخبار خبرگزاری‌ها، بلکه



در واقع صرفاً کاراکترها یا به بیانی بهتر آدم‌های آن است. همان طور که ما پس از سال‌ها آن «مداد آبی» و آن عبارت دستوری را به یاد داریم، ممکن است کودکان امروز هم درست به همین شکل برای آدم‌های «شکرستان» در ذهن خود خانه‌ای بسازند. اما همان طور که همه می‌دانیم، در فرنگستان پس از اکران انیمیشن‌ها و استقبال از آنها، فوراً عروسک‌های آن هم به بازار می‌آید، مخاطب، به خصوص مخاطب کودک، دوست‌دار شخصیت‌های آن انیمیشن را با خود به خانه بیاورد، در کنار تخت خود گذاشته و با آن بازی کند. اقبال به خرید عروسک‌ها، به خودی خود نشان‌دهنده خواست مخاطب برای از آن خود کردن شخصیت‌های انیمیشن است. پس می‌توان برآیند محبوبیت یک انیمیشن را صرفاً با ظاهر شخصیت‌های آن سنجید. کاراکترهای «شکرستان» قابلیت محبوب شدن داشتند، اما نخست فیلم‌نامه و بعد از آن ساختار گسسته و قطعه‌قطعه که طبیعتاً نتیجه شکل حکایت‌گونه و انکار به ضرب‌المثل‌هاست، این فرصت را از شکرستان گرفت. اما به هر حال این مجموعه به عنوان انیمیشنی ایرانی، در تغییر ذهنیت مخاطب ایرانی بسیار موثر است زیرا از یک سو نشان‌دهنده پیشرفت این رشته در ایران است و از سوی دیگر بیانگر ظرفیت‌های فرهنگ بصری ایران در تولید انیمیشن است. هنگامی که ما به تماشای انیمیشن‌ها می‌نشینیم، تصاویر متحرکی از مقابل چشم‌های ما می‌گردند و صداهایی به گوش ما می‌رسند. در اغلب انیمیشن‌های ایرانی «دیندی‌ها» و «شنیدنی‌ها» از جنس هم نیستند، متن، صدای کاراکترها و دیگر عناصری که باید بر هم سوار شوند، در اثر فقدان انطباق، ناسازگاری را در مقابل چشم تماشاگر به نمایش می‌گذارند. اما مجموعه «شکرستان» از این نظر هم توانست اثری هماهنگ باشد. زبان، موسیقی و تصاویر در هارمونی باورپذیری بر هم سوار بودند. رسیدن به چنین هماهنگی‌هایی برای انیمیشن ایران اتفاق خوبی است. اما مساله به همین جا ختم نمی‌شود زیرا فرهنگ بصری ما هنوز با متحرک شدن تصاویر و جلوه‌های بصری خود فاصله دارد؛ از این نظر متحرک کردن نگارگری‌های ایرانی هنوز کار دشواری به نظر می‌رسد. از این‌رو می‌توان گفت تولید انیمیشن‌هایی نظیر «شکرستان» زمینه‌ها را برای ایجاد متحرک در فرهنگ بصری ما ایجاد کرده و همین تصاویر خلق آثار باورپذیر دیگر را تسهیل می‌کند.

انیمیشن



– **خب از اول شروع کنیم. پروژه شکرستان از کجا شکل گرفت و مراحل اولیه کار چگونه شروع شد؟**

من خیلی این سوال را جواب دادم.

– **معمولاً سوال اول همین است. اصولاً برای دستگرمی چنین سوالی لازم است. آباخنده!**

بله مثل اینکه برای گرم کردن اجباری است.

پروژه شکرستان یک تحقیقاتی داشت که حدود هشت ماه طول کشید. من طی این هشت ماه تمام کتاب‌هایی را که در این حیطه به آنها دسترسی داشتم خواندم؛ کتاب‌های حکایت‌ها و ضرب‌المثل‌های مختلف ایرانی. بعد از گذراندن این اساس تحقیقاتی رسیدیم به مرحله اول. در این مرحله که یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما در این پروژه بود، تلاش کردیم ببینیم این حکایت‌ها را چگونه می‌توان در یک فضای محدود و با یک تعداد شخصیت محدود نمایش داد چون آنقدر دامنه وسیعی هم از نظر شخصیت‌ها و لوکیشن‌ها دارد، ما نیاز به قابلیت‌ی داشتیم که بتوانیم همه اینها را در یک نقطه اجرا کنیم و شکرستان برای همین شکل گرفت که پایه اتفاق افتادن همه این حکایت‌ها در آنجا باشد.

– **این حکایت‌ها از کجا آمده‌اند؟**

بیشتر از حکایت‌های شرقی استفاده کردیم. ما تمام حکایت‌ها را خواندیم و از بین آنها تعدادی انتخاب شد. خیلی از آنها با هم تلفیق شد و رفته‌رفته رو به اریژینال نویسی رفتیم یعنی این سیر را داشتیم که حکایت‌ها فقط پایه داستان‌ها می‌شد ولی داستان‌ها امروزی می‌شدند و یک تغییر اساسی در آنها شکل می‌گرفت که با بیننده امروز سازگار باشد.

– **به جز حکایت‌ها از ضرب‌المثل‌ها هم استفاده کردید؟**

بله در کنار حکایت‌ها ما همین طور از بعضی از ضرب‌المثل‌ها هم برای داستان‌ها استفاده کردیم. – **یکی از امتیازهای بزرگ شکرستان هماهنگی و همخوانی همه عناصر فیلم است مثل شخصیت‌ها، فضاها، موسیقی، صدای راوی و… همه اینها با یک کیفیت خوب در کنار هم جمع شدند. این همخوانی‌ها چگونه اتفاق افتاد؟ در انیمیشن ایران معمولاً بخشی از کار قوی است و بخشی دیگر ضعیف. مثلاً فضا خوب است اما موسیقی به فضاها نمی‌خورد. به همین دلیل خیلی از کارها با اینکه هم وقت و هم هزینه برده است، باز هم غیرقابل قبول است.**

در مورد این سازگاری و هماهنگ بودن قسمت‌های مختلف باید بگویم یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های انیمیشن‌های ایرانی همین است. اصلاً انیمیشن ترکیبی از این قسمت‌هاست و بزرگ‌ترین حسن یک انیمیشن همین است که از یک جنبه قوی نباشد. قوی بودن یا ضعیف بودن اهمیت ندارد. بیشتر هماهنگی بین آنها مهم است.

شما ممکن است یک کار متوسط ببینید که بخش‌های مختلف آن نیز متوسط باشد و خب با همدیگر خیلی سازگارد. اما در کل ممکن است یک انیمیشن خوب به شما بدهد. اما اگر یک بخش انیمیشن قوی باشد و بخش‌های دیگر ضعیف، این باعث می‌شود انیمیشن کلاً ضعیف باشد. این بزرگ‌ترین ضعف انیمیشن ایران است و دلیلش هم این است که در یک مقطعی در ایران از حرفه‌های مختلف رفتند سراغ کارگردانی انیمیشن، از طراح بگیرد تا آهنگساز و بخش‌های مختلف رفتند سراغ کارگردانی و اینکه خودشان کار بگیرند. این باعث می‌شود موضوع در کارهایی که تولید شد، بخشی از کار که حرفه اصلی آنها بود، قوی کار شد ولی بخش‌های دیگر این‌گونه نبود. برای مثال کاری را می‌بینید که طراحی شخصیت و فضاسازی خیلی خوبی دارد اما در کل کار ضعیف می‌شد. در شکرستان اتفاقی که افتاد، این بود که ما بیشتر شب هماهنگ بودن بخش‌های مختلف خیلی تأکید داشتیم و اینکه کار خیلی ایرانی باشد.

ایرانی بودن کار باعث شد کار خیلی هماهنگ پیش برود یعنی ما مجبور بودیم موسیقی ایرانی انتخاب کنیم، شخصیت‌های ایرانی طراحی کنیم، فضاسازی ایرانی داشته باشیم و… این یکی از چیزهایی بود که ما را مجبور کرد تا همه عناصر فیلم را هماهنگ کنیم. ما در بخش‌های مختلف واقعاً برای هماهنگ شدن زحمت زیادی کشیدیم. مثلاً در بخش انیمه این کار شاید کسی در ایران اینقدر برای انیمه کردن تلاش نمی‌کند. ما حتی بازیگری انیمیشن داشتیم. به این معنی که بعضی از شخصیت‌ها واقعاً بازی می‌شدند، حالا توسط خود من یا بچه‌های دیگر و انیمه شخصیت‌ها بر اساس این بازی‌ها شکل می‌گرفت. می‌توان گفت برای هماهنگی همه عناصر زمان و انرژی زیادی گذاشتیم.

– **از تصویرسازی این کار برایمان بگویید.**

تصویرسازی شکرستان بر اساس تصویرسازی کتاب شکل گرفت یعنی وارد کردن تصویرسازی به دنیای انیمیشن. ما از آن شخصیت‌های شسته‌شده انیمیشن آدمیم بیرون و در قالب تصویرسازی کار کردیم. به خاطر اینکه خود ماهیت تصویرسازی هم خیلی هماهنگ می‌شد با داستان‌های شکرستان. نوبی شکرستان چندین

سال پنجم ■ شماره ۱۱۰۲ ■ سه‌شنبه ۱۱ آبان ۱۳۸۹

گفت‌وگوی «شرق» با بابک نظری کارگردان سریال شکرستان

خوراک سالم فرهنگی

فکر می‌کنند. اگر هنوز پای برنامه‌های کودکان می‌نشینید ممکن است با مجموعه شکرستان بر خورد کنید. شکرستان سریالی است که اکنون از شبکه دو پخش می‌شود. اهالی سینما و انیمیشن با دیدن این سریال به حرکت دوباره فرهنگ امیدوار شدند: فرهنگی که سال‌ها از یادهارفته بود. البته از یاد نرفته بود، اما نوع قلابی آن عرضه می‌شد و بازاری‌ها، مدرس فرهنگ در رسانه عمومی بودند. سریال شکرستان هم فرهنگ درستی را به نمایش می‌گذارد و هم هنر انیمیشن را به درستی معرفی می‌کند. سریال شکرستان با فضایی فانتزی و طنز حکایت‌ها و ضرب‌المثل‌های ایرانی را به تصویر می‌کشد. سریال شکرستان محصول مشترک حوزه هنری و شبکه دو سیماست. شکرستان با روش کات‌آوت

سه‌بعدی ساخته شده و به جرات می‌توان گفت کارکنان آن همه حرفه‌ای‌ها هستند. از موسیقی که کار استاد ذوالفقون است گرفته تا صدای مرتضی احمدی. داستانسرایی، تصویرسازی، شخصیت‌پردازی و کارگردانی هنرمندانه این‌کار امید این را می‌دهد که هنر و فرهنگ دوباره به تلویزیون برگشته است. سینماگران و انیماتورها هم با دیدن این سریال امیدوار شدند انیمیشن ایران قرار است تکانی بخورد و شکرستان را شروعی برای حرکتی نو می‌دانند. امید است این سریال انقلابی باشد برای تغییر ذهنیت و فرهنگسازی دوباره مخاطبان تلویزیون. بابک نظری کارگردان شکرستان در گفت‌وگویی با روزنامه «شرق» درباره این پروژه می‌گوید.



ندارند، فقط آن گونه از سریال‌ها به عنوان انیمیشن جا افتاده است. فکر می‌کنید شکرستان و انیمیشن‌هایی از این قبیل می‌توانند این تفکر را اصلاح کنند؟

فرهنگسازی کردن خیلی مهم است و شما مسیری را که انتخاب می‌کنید برای فرهنگسازی باعث می‌شود مردم نگرش‌های مختلف پیدا کنند نسبت به کارهای مختلف. وقتی مردم کارهایی را که شما مثال زدید، می‌بینند طبیعتاً نگرش‌شان هم به همان شکل تغییر می‌کند و تغییر دادن آن هم زمانبر است. در شکرستان یکی از هدف‌هایی که از همان روز اول داشتیم و رویش هم حسابی پافشاری کردیم، همین مساله بود. نخواستیم با همان شوخی‌ها و با همان لحن‌ها صحبت کنیم و سعی کردیم هر چه هست را به نمایش بگذاریم که حداقل در این وادی هم فرهنگسازی شده باشد. این مساله خیلی برایمان مهم بود و نویسنده اصلی کار آقای اسماعیلی روی این موضوع خیلی سختگیری کردند و اصلاً دوست نداشتند کار حتی یک ذره به آن سمت و سو برود و مردم را با آن نگرش بخواهیم بخندانیم و تحت تأثیر قرار دهیم.

– **فکر می‌کنید می‌توانید در راهتان پیروز شوید؟ الان آن انیمیشن‌ها خیلی طرفدار دارند.**

گفتن پیروزی با گفته من شاید درست نباشد. ما مسیر طولانی‌ای داریم تا بتوانیم نشان دهیم از این‌نوع کار هم می‌توانید لذت ببرید و فقط این نیست که با لودگی بخندید. اینکه بگوییم تا الان چقدر موفق شدیم با توجه به درصدی که صدا و سیما آمار گرفته است، این برنامه حدود ۷۰ درصد بیننده دارد و این امیدوارکننده است. – **چیزی که خیلی برایاتان دردسر درست کرده است، ساعت پخش شکرستان است. تغییر ساعت‌ها باعث شده خیلی‌ها نتوانند این سریال را ببینند. آخر قرار شد چه ساعتی این سریال پخش شود؟**

بله، ما تمام تلاش‌مان را کردیم و واقعاً از این همه تلاش بی‌ثمر خسته شدیم. آنقدر تلاش کردیم که ساعت پخش را به ساعت ۹ شب برگردانیم ولی این اتفاق نیفتاد. برای اینکه این سریال برای بزرگسال ساخته شده و باید زمانی پخش شود که بزرگسالان پای تلویزیون هستند. اما این تلاش‌ها تا امروز به نتیجه نرسیده، ما خیلی از این موضوع ناراحت هستیم و همین طور بیننده‌ها که به این اعتراض دارند که چرا هیچ زمان مشخصی برای پخش وجود ندارد. بیننده‌ها هم به طور شاشنی این سریال را می‌بینند. اما الان ساعت پخش برنامه جمعه‌ها ساعت یک بعدازظهر در برنامه فیتیله است.

صدا و سیما یک پروژه جدی و حرفه‌ای برای انیمیشن گذاشته باشد. آیا قرار است صدا و سیما به انیمیشن بها دهد و فکر می‌کنید هدف اصلی صدا و سیما اقتصاد بوده یا هنر؟

البته شروع این کار توسط حوزه هنری بود و کار را حوزه هنری جلو برد اما در نهایت کار توسط حوزه هنری و شبکه دو بسته شد. اگر قرار باشد انیمیشن در ایران بهایی پیدا کند، صداوسیما می‌تواند نقش مهمی بازی کند. قطعاً هدف اصلی اقتصاد نبوده. می‌توان گفت اولین هدف ایجاد حرکتی به جایگاه انیمیشن بوده و حتی اگر بیشتر به این مقوله بها داده شود، سرعت پیشرفت بیشتر خواهد شد.

– **شکرستان با سریال‌های دیگر انیمیشن ایران تفاوت بزرگی دارد: سریال‌هایی که به سفارش سازمان‌ها و ارگان‌ها برای آموزش مردم ساخته شده‌اند مثل عدم استفاده از شوخی‌هایی که جایگاهشان در رسانه عمومی نیست و در واقع لودگی محسوب می‌شوند یا ادبیات کلامی نادرست. اما شکرستان با ادبیاتی ایرانی و در عین حال مدرن با فضاهایی جذاب و دلچسب قطعاً تأثیرگذارتر خواهد بود. برای خیلی از مخاطبان عمومی که آشنایی با انیمیشن**

– **موسیقی متن کار را هم استاد جلال ذوالفقون کار کرده است. تم اصلی موسیقی کار ایشان بوده یا کلاً بخش موسیقی را ایشان بر عهده داشتند؟**

بله از ابتدای کار یعنی همان قسمت اول موسیقی کار استاد ذوالفقون بود. خب من ایشان را خیلی دوست دارم و آدم بزرگی هستند. کارشان هم آنقدر خوب روی کار نشست که یکی از خوشحالی‌های ما در شرکت بود. و وجود موسیقی ایشان روی کار ما باعث افتخار است.

– **شکرستان توانست به خوبی نظر مخاطب ایرانی را جلب کند. فکر می‌کنید در جوامع بین‌المللی به خود را این کار چگونه باشد؟ شکرستان در کشورهایی که بیشتر در انیمیشن سختگیرتر هستند، چه کار کرده است مانند اروپا و امریکا؟**

شکرستان در کشورهای مختلف رفته است و اتفاقات خیلی خوبی در حال رخ دادن است. خیلی از کشورهای دنیا شکرستان را برای پخش خریداری کرده‌اند. الان یک بخش چهار قسمتی برای اکران در سینمای فرانسه آماده شده است. کشورهای مختلفی این سریال را خریداری کرده‌اند و تعداد زیادی جایزه هم دریافت کرده است. عکس‌العمل خیلی خوبی از خارجی‌ها دریافت کردیم. مثل فرانسه، ایتالیا، کشورهای عربی و… و این خبری خوشحال‌کننده برای ماست.

– **فکر می‌کنم این اولین باری است که**

